

یادداشت

عراقچی برای چه به مسکو می رود؟



حسن لاسجردی

کارشناس مسائل سیاسی

قرار است که در روزهای آینده وزیر امور خارجه کشورمان در یک سفر از قبل برنامه ریزی شده به روسیه رفته و با مقامات این کشور دیدار و گفت‌وگو کند. درباره اهمیت و چرایی این سفر می توان به موضوعات مهمی همانند مذاکرات اخیر ایران و آمریکا، پیگیری مذاکرات سه جانبه ایران روسیه و چین، قرارداد راهبردی ایران و روسیه، روابط دو جانبه و موضوعات مهم منطقه ای همانند تحولات خاورمیانه، بازار نفت و بحران اوکراین اشاره کرد. ولی همانگونه که از اهمیت تحولات اخیر بیست بطور ختم محور اصلی این سفر می تواند تحولات هسته ای بویژه مذاکرات سه جانبه اخیر در پکن و مذاکرات اخیر ایران و آمریکا در عمان باشد که در هفته گذشته دور اول آن برگزار شد و دور دوم آن هم روز شنبه آینده برگزار خواهد شد. در خصوص اهمیت این سفر و موضوعات مهم آن می توان به چند عامل مهم اشاره کرد: یکی از اهداف اصلی سفر آقای عراقچی به مسکو می تواند ادامه مذاکرات ایران با روسیه و چین برای ایجاد هماهنگی در موضوع هسته ای باشد، چرا که ایران رویکرد جدیدی اتخاذ کرده و برای پیش برد مذاکرات در سه جهت در تلاش است اول با طرف اروپایی یعنی آلمان و انگلیس و فرانسه برای جلوگیری از فعال شدن مکانیزم ماشه دوم انجام مذاکرات با روسیه و چین برای ایجاد هماهنگی در موضع سه کشور در برابر اقدام های اروپا و آمریکا در آینده و سوم گفتگوی غیر مستقیم با طرف آمریکایی به منظور کاهش خطر درگیری و ختنی کردن توطئه اسرائیلی ها برای تحمیل جنگ به ایران و منطقه و در نهایت فراهم کردن زمینه برای پایان دادن به تحریم ها از طریق مذاکره دست یابد. از دیگر اهداف سفر دکتر عراقچی می تواند ارائه گزارشی از مذاکرات اخیر ایران و آمریکا باشد چرا که روسیه شریک مهم سیاسی و تجاری ایران در دوران اخیر بوده و در جریان مذاکرات هسته ای حتما مانند گذشته در صورت نقش آفرینی مثبت، کمک بیشتری در تسهیل گفت‌وگو خواهد داشت. در عین حال باید توجه داشت که این دور از مذاکرات ایران و آمریکا بدون حضور پنج عضو ۵+۱ صورت می گیرد، لذا در جریان قرار گرفتن هر یک از آنها به بویژه بازنگری مانند روسیه می تواند به قوام بیشتر در روند مذاکرات بینجامد. همچنین با توجه به بحران اوکراین و رویکردهای سه کشور اروپایی در مناسبات اخیر خود با تهران و اختلافات اخیر آمریکا با اروپا به نظر می رسد که مسکو می تواند در گفت‌وگوها بر خلاف اروپایی ها نقش مؤثرتری داشته باشد. نظر به ارتباطات و مرادات گسترده سیاسی و اقتصادی بین تهران و مسکو، می توان گفت که کرملین نشینان انتظار دارند که شریک راهبردی آنها در موضوعات اساسی، آنان را در جریان امور بگذارند تا به طرف مقابل مذاکرات، عقی این روابط اثبات گردد. با توجه به روحیات ترامپ در مواجهه با کشورهای مختلف به نظر می رسد در میان رهبران کشورهای طرف مذاکره با ایران شاید بوتین مقبول ترین آنها باشد که در این صورت می تواند در منازعه ایران و آمریکا نقش پلیس خوب را بازی کند. حال با توجه به تاثیر بسیار مذاکرات هسته ای بر تحولات منطقه ای و جهانی به نظر می رسد سفر آقای عراقچی به مسکو در شرایط فعلی بسیار منطقی بوده و می طلبد که دستگاه دیپلماسی به عنوان موتور محرکه مذاکرات با تمامی بازیگران مؤثر بر رونده هسته ای به گفت‌وگو و تبادل نظر بپردازند و از تمام ظرفیت عناصر دخیل در موضوع هسته ای خود استفاده نموده تا بتواند این مرحله از تحولات را به سلامت بگذرانند. نکته حائز اهمیت اینکه وزن سنگین موضوع مذاکرات در توازن بین المللی آنقدر بالاست که ویتکاف نماینده ویژه ترامپ در امور خاورمیانه هفته قبل پیش از انجام مذاکرات با ایران به دیدار بوتین رفت تا هماهنگی لازم در موضوعات فیمابین از جمله جنگ اوکراین و مذاکراتش با ایران را با مقامات کرملین در میان بگذارد و با خیال راحت پشت میز گفت‌وگو ها بنشیند. با لحاظ کردن نوع رفتار اخیر ترامپ در صحنه بین المللی و تلاش برای یکه تازی در حل موضوعات جهانی، سفرویزر خارجه کشورمان به روسیه اهمیت دو چندان یافته و پیچیدگی های احتمالی گفت‌وگوهای آینده می تواند به ابعاد پیدا و پنهان این سفر صحنه بگذارد.

خبر

مرتضی مکی:

نباید بگذاریم حواشی

اصل مذاکرات راتحت تأثیر قرار دهد

یک کارشناس سیاست خارجی و تحلیل گر مسائل بین المللی در رابطه با سفر Raffael Grossi دبیرکل آژانس بین المللی انرژی اتمی به تهران در آستانه مذاکرات ایران و آمریکا و نقش آن در جریان این گفت‌وگوها که دور دوم آن شنبه اتی برگزار خواهد شد، اظهار داشت: سفر آقای گروسی به ایران در دو مقطع مهم انجام می شود و در فضایی برگزار می گردد که به هر حال از اهمیت بسزایی برخوردار است. شاید بتوان گفت این سفر، سرنوشت سازترین سفر ایشان به تهران در چند سال گذشته است، از این جهت که می تواند روندهای توافق هسته ای ایران را تعیین کند. مرتضی مکی گفت: مهم ترین مساله در خصوص فعالیت هسته ای ایران، مذاکرات ایران و آمریکا است و این مذاکرات اگر بخواهد به یک سرانجامی برسد، نقش آژانس انرژی اتمی و مدیرکل آژانس بسیار تعیین کننده و مهم خواهد بود. نکته ای که اهمیت سفر آقای گروسی، مدیر کل آژانس را زیادی می کند، گزارشی است که آژانس باید ارائه کند و شورای حکام باید در اجلاس بهره خود آن را منتشر کند و این موضوع می تواند روند مذاکرات آمریکا و به طور کلی روند مذاکرات هسته ای ایران را تعیین کند. این کارشناس سیاست خارجی ایران تاکید کرد: جزئیات تحولاتی که در سال ۱۴۳۲ رخ داد و اتفاقاتی که برای ایران و محور مقاومت افتاده را همگان می دانند، از نظر داخلی و از جنبه های مختلف سیاسی، اقتصادی و امنیتی، ما با نترازی هایی مواجه هستیم که این نترازی ها به مرحله بحران قرار دارند یا از مرحله بحران هم گذشته است و راهی جز دیپلماسی و گفت‌وگو برای ایران و مدیریت بحران ها وجود ندارد و نباید بگذاریم حواشی، اصل مذاکرات راتحت تأثیر قرار دهد. تهدیدها همیشه بوده و خواهد بود، اما مهم این است که ما از فرصت ها استفاده کنیم و تهدیدها را به فرصت تبدیل کنیم.

مصطفی هاشمی طبادر گفت‌وگو با «آرمان ملی»:

مذاکرات رابه صورت زنده

از شبکه های تلویزیونی پخش کنید



مذاکرات ایران و آمریکا تحت تأثیر افراط و تفریط

قرار گرفته است

مذاکره با آمریکا تصمیم صحیح نظام بوده است

آرمان ملی- احسان انصاری: مذاکرات ایران و آمریکا در حالی در عمان برگزار شد که مقامات دو کشور نسبت به نتایج آن اظهار خشنودی کردند. با این وجود اظهارات اخیر ترامپ دوباره تردیدهایی را در روند مذاکرات به وجود آورده است. به همین دلیل مذاکراتی که قرار است شنبه آینده در رم ایتالیا انجام بدهد از بسیاری جهات حائز اهمیت است. نکته مهمی که در این زمینه وجود دارد این است که صدای مخالفان مذاکره در فضای داخلی کشور بلند شده و به رغم اینکه اکثریت جامعه با مذاکره و حل تنش های

در حالی که مقامات ایران و آمریکا نسبت به نتایج مذاکرات عمان دیدگاه مثبتی داشتند اما اظهارات اخیر ترامپ باعث تردیدهایی درباره آینده مذاکرات شده است. ارزیابی شما از روند مذاکرات چیست؟

در شرایط کنونی مذاکرات ایران و آمریکا یادودیدگاه افراطی و تفریطی مواجه شده است. از طرفی عده ای از اساس با مذاکره و به خصوص مذاکره با آمریکا مخالفت و عنوان می کنند نباید مذاکره کرد و از سوی دیگر نیز برخی گمان می کنند در صورتی که مذاکرات به نتیجه برسد، نتیجه مطلوب حاصل شده و شرایط بهبود پیدا خواهد کرد. من با هیچ کدام از این دیدگاه ها موافق نیستم و معتقدم نباید در این زمینه دچار افراط و تفریط شد. نباید با اساس مذاکره مخالف بود و بلکه باید از فرصت هایی که پیش روی کشور قرار می گیرد استفاده کرد. با این وجود نباید همه چیز را به نتایج مذاکرات گره زد و عنوان کرد می توان با مذاکره مشکلات کشور را حل کرد. واقعیت دیگر اینکه ترامپ فرد قابل اعتمادی نیست و شرایط به شکلی نیست که بتوان با چنین فردی که از برجام خارج شده به یک توافقی بلندمدت دست پیدا کرد. در همین موضوع تعریفه هایز مواضع وی مدام تغییر می کند و در حالی که تعریفه های برخی کشورها را افزایش داده، پس از مدتی آنها را تغییر می دهد. به همین دلیل زیاد نمی توان روی حرف های ترامپ حساب کرد. با این وجود من با اساس مذاکره و اینکه مردم کشورهای جهان نسبت به دیدگاه های ایران آگاهی پیدا کنند، که بدانند ایران دنبال جنگ و درگیری نیست، اتفاق خوبی است. ما نباید درها را به روی خود ببندیم و فرصت های احتمالی را به راحتی از دست بدهیم.

مقامات نظام دیدگاه های مختلفی درباره مذاکرات دارند و در مقاطع مختلف این دیدگاه های متفاوت را مطرح می کنند. چه اتفاقی رخ داد که در حالی که نظام تمایلی به مذاکره نداشت شرایط تغییر کرد و مذاکرات آغاز شد؟

من به جای نظام نیستم که به این سوال پاسخ بدهم و پاسخ به این سوال را باید کسی بدهد که در نظام حضور دارند و در تصمیم گیری ها مشارکت دارد. به هر حال در شرایط کنونی تصمیم نظام سیاسی این بوده که بهتر است مذاکره صورت بگیرد. این هم تصمیم حاکمیت بوده و کسانی که عنوان می کنند تصمیم دولت بوده، حرف درستی نمی زنند. همه ما می دانیم که مذاکره و یا عدم مذاکره با آمریکا با تصمیم گیری نظام صورت می گیرد و این موضوع در حیطه اختیارات دولت نیست. در صورتی که نظام سیاسی به دولت اجازه ندهند، امکان مذاکره فراهم نخواهد شد. ضمن اینکه در عالم سیاست قهر کردن و مذاکره نکرد چندان جالب نیست و در جهان امروز امری پسندیده به شمار نمی رود. شرایط کشور نیز به شکلی است که این امیدواری وجود دارد که اگر مذاکرات به نتیجه خوبی برسد، بتواند بخشی از مشکلات را کاهش دهد. به همین دلیل من معتقدم در شرایط کنونی مذاکره با آمریکا تصمیم صحیحی بوده است. مردم دنیا نیز باید بدانند مواضع ایران در زمینه سلاح اتمی چیست و به همین دلیل چقدر خوب بود که مذاکرات به صورت زنده و مستقیم و بدون محدودیت از شبکه های تلویزیونی جهان به صورت علنی پخش می شد.

صدور مجوز مذاکره با آمریکا همچون

آب سردی بر تندروهایی بود که تحقق رویاهای شان در ایجاد جنگ و درگیری نظامی با آمریکا را خیلی نزدیک می پنداشتند اما به یکباره همه خواب و خیال شان نقش بر آب شد. نکته جالب آنکه پایداری ها نیز ترجیح دادند در این روزها رویه سکوت پیش بگیرند اما برخلاف آنها، هم قطاران سعید جلیلی عنان از کف بریده اند و به هر دری می زنند تا با تحریک قشر مذهبی و پای کار نظام، امواج ضد مذاکراتی در جامعه ایجاد کنند، به این امید که شاید همچون زمان برجام نیز خلاصی بر توافقی احتمالی برزند. این حجم از بغض و کینه تندروها نسبت به گفت‌وگوهای عمان از آن جهت جای تأمل دارد که هنوز نه به دار است و نه به بار. یک فعال سیاسی اصولگرادرباره برافروختگی این روزهای تندروها و پیشرفت مذاکرات ایران

armanmeli.ir

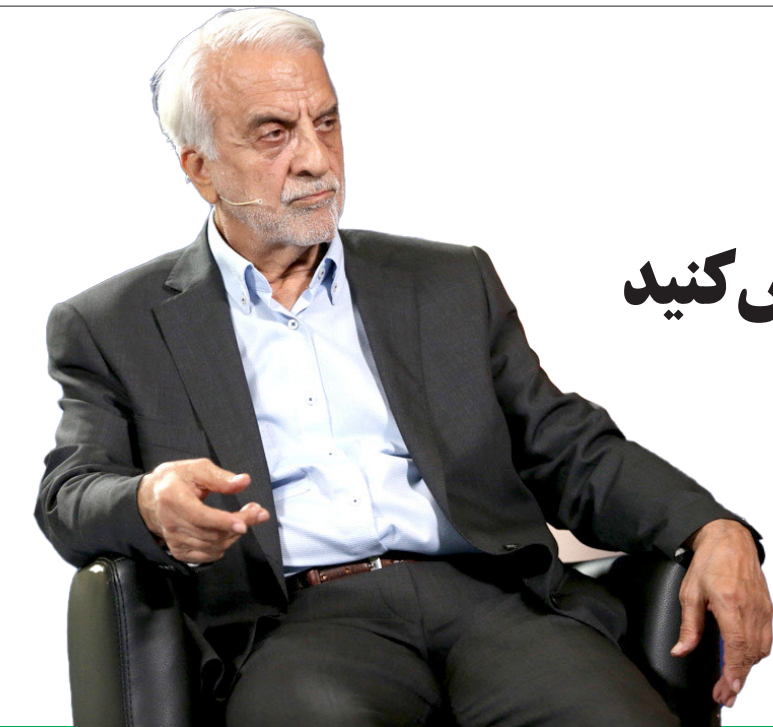
سال هشتم

شماره ۲۰۸۴

چهارشنبه

۱۴۰۴/۰۱/۲۷

۱۷ شوال ۱۴۴۶/۱۶ آوریل ۲۰۲۵



بین المللی به صورت مسالمت آمیز موافق هستند اما عده ای مدام در فضای داخلی کشور مذاکرات را تخطئه می کنند. به هر حال تجربه تاریخی درباره برجام نشان داده که تفسیری که از مذاکرات ایران با کشورهای غربی و به خصوص آمریکا در داخل کشور صورت می گیرد به مراتب از واقعیت های مذاکره اهمیت بیشتری دارد. «آرمان ملی» برای تحلیل و بررسی این موضوع با سید مصطفی هاشمی طباطبائی گفت‌وگو کرد که در ادامه ما حاصل آن را می خوانیم.

من با اساس مذاکره و اینکه مردم کشورهای جهان نسبت به دیدگاه های ایران آگاهی پیدا کنند، که بدانند ایران دنبال جنگ و درگیری نیست، اتفاق خوبی است

در صورتی که مذاکرات نتیجه مثبت داشته باشد، به چه میزان می توان به تغییر وضعیت زندگی مردم خوشبین بود؟

در ابتدا باید مشخص کنیم که نتیجه مثبت مذاکرات چیست و در چه شرایطی می توان عنوان کرد مذاکرات به نتیجه مثبت رسیده است. من فکر می کنم مذاکرات هر نتیجه ای که داشته باشد باز می توان عنوان کرد بخش هایی از آن مثبت و بخش های دیگر آن منفی است. شرایط نیز بسیار پیچیده است. نفس مذاکره مثبت است اما اینکه چه نتیجه ای به همراه دارد، نیازمند گذشت زمان است. واقعیت این است که ترکیبی که ترامپ در دولت و اطراف خود انتخاب کرده ترکیب خطرناکی است. اغلب کسانی که در این ترکیب قرار دارند، تا حدی به اسرائیل نزدیک هستند یا حمایت می کنند و حمایت آن رژیم را دارند. به همین دلیل نمی توان چشم انداز روشنی را مشخص کرد. البته این حرف اصلا به معنای ضعف و نگرانی از تیم مذاکره کننده طرف ایرانی نیست. با این وجود نفس اینکه ایران میز مذاکره را به گزینه های دیگر ترجیح داده مثبت است و من فکر می کنم می تواند نتایج خوبی به همراه داشته باشد.

برخی خبرها حکایت از احتمال سرمایه گذاری ۱۰۰۰ میلیاردی آمریکا در ایران دارد. آیا شرایط برای روابط اقتصادی ایران و آمریکا وجود دارد؟

اینگونه خبرها بیشتر فضاسازی است تا واقعیت. البته من با این اتفاق در صورتی که صحت داشته باشد موافق هستم و معتقدم ایران می تواند با آمریکا رابطه اقتصادی داشته باشد. البته این آمریکا بوده که رابطه خود را با ایران قطع کرد. دولت کارتر بود که رابطه خود را با ایران قطع کرد و ترامپ بود که از توافقی که بین ایران و آمریکا منعقد شده بود خارج شد. به هر حال امضایی که پای توافقی برجام بوده امضای یک کشور بوده و نه یک فرد که آقای ترامپ به راحتی از آن خارج شد. این نشانه رسوایی آمریکا است. اگر تضمین های محکم گرفته نشود، باز هم بعید نیست با آمریکا توافقی کنیم و رئیس جمهور

تندروها بارویکردی که در پیش گرفته اند نشان می دهند نه به ایران علاقه مند هستند و نه به نظام. آنها در پاسخ به اینکه اگر مذاکره نکنیم چه کار کنیم؟ می گویند هر اتفاقی رخ بدهد اشکال ندارد

مهدی عرب صادق مطرح کرد:

نتانیاهو و تندروهای داخلی همچون دولبه

فیچی هستند

پیدا کنند حتی در مقابل نظام هم می ایستند چون با ایجاد تنش و تقابل، هدف شان تخریب وحدت ملی است؛ ادعای هسته سخت طرفداری از نظام را دارند اما همواره در عمل فقط با عقده گشایی های شان ضربه های سختی به نظام زده اند. این فعال سیاسی بیان اینکه دشمنی تندروها با مردم و ایران مشهود و نمایان شده، اظهار کرد: چون دست اینها رو شده، دارند هم از مردم و هم از نظام انتقام می گیرند. حتی عده ای شان علنا در قامت نفوذی ها عامل می کنند و از تربیون های

و آمریکا گفت: پادوهای جلیلی و نتانیاهو از ثبات کشور عصبانی اند. همان کسانی که روزی برای کاهش ارزش پول ملی اشک تسماح می ریختند و آن را همچون چماقی بر سر دولت می کویدند، الان از تقویت پول ملی بعد از مذاکرات عمان عصبانی و ناراحت هستند. مهدی عرب صادق گفت: مخالفان مذاکره چون از تحریم ها و فشارهای خارجی بر ایران سود می برند، از کوچک ترین موضوعی در جریان مذاکرات برای حمله به دولت استفاده می کنند. اینها اگر فرصت و جرات

بعدی آمریکا این توافق را قبول نداشته باشد و دوباره از آن خارج شود، باید مشخص شود چه تضمینی وجود دارد که در صورتی که ایران با آمریکا توافق کرد، رئیس جمهور بعدی آمریکا هم به این توافق پایبند بماند. البته اینکه ما در ابتدای انقلاب سفارت آمریکا را در تهران تسخیر کردیم، کاری است که درست نبوده و برخی دیگر معتقدند که آن اتفاق ناگزیر بوده و نشان از نگرانی انقلابیون دارد. در عین حال می شد راهی پیدا کرد که آنقدر طولانی نشود. طولانی شدن آن ماجرایکی از دلایل نفار و دشمنی آمریکایی ها با ایران است. از سوی دیگر فقط سفارت آمریکا نبود که علیه ایران اقدام می کرد، سفارت کشورهای دیگری هم بودند که آسیب های بیشتری به کشور زدند و اما شرایط آمریکا را پیدا نکردند. تجربه نشان داده که آمریکا به توافقاتی که امضا کرده پایبند نبوده است. بنابراین اگر مذاکره کننده های ما بتوانند طرف آمریکایی را وادار به دادن تضمین های لازم کنند، می توان امیدوار بود. به هر حال گزینه مذاکره از گزینه های دیگر بهتر است و باید از این طریق مشکلات را حل کرد.

پس از مذاکرات روز شنبه در عمان صدای مخالفان مذاکره در داخل کشور بلندتر از همیشه شده و به شکل های مختلف و با ادیفات نامناسب علیه مذاکرات فضاسازی می کنند. آیا این فضاسازی ها نیز مانند فضاسازی هایی که علیه برجام صورت گرفت، می تواند بر روند مذاکرات تأثیر گذار باشد؟

کسانی که چنین رویکردی در پیش گرفته اند افراد بی مسئولیتی هستند. با توجه به مشکلات متعدد اقتصادی و معیشتی که برای مردم وجود دارد، مردم از خود سوال می کنند چرا این افراد از کاهش تنش ها استقبال نمی کنند و با آن مخالفت می کنند؟ عجیب اینکه این افراد می گویند مذاکره با آمریکا بدون اجازه مقام رهبری صورت گرفته است. از نظر این عده گویا آقای عراقچی سر خود و بدون اجازه از رهبر انقلاب به عمان سفر کرده و با نمایندہ دولت ترامپ مذاکره کرده است. آیا در واقعیت چنین چیزی امکان پذیر است؟ این موضع گیری به خوبی نشان می دهد که این افراد نباید خود را ولایت مدار به نامند. در بهترین حالت این افراد می توانند عنوان کنند ما مذاکره موافق نیستم اما با تصمیمی که نظام در این زمینه گرفته همراهی می کنیم. این افراد باید نهایت توجه خود را به کار ببرند که مبدا یا پس بدهند و دشمنان این کشور گل بزنند. خود این افراد باید بیش از دیگران به شباهت مواضع خود با کسانی خارج از کشور توجه کنند. اینها باید از خود فکر کنند که چرا دشمنان کشور با مذاکرات مخالفت شدید می کنند. تاسف آن است که صدای این افراد بلندتر از موافقان مذاکره است که اکثریت جامعه را تشکیل می دهد. تندروها بارویکردی که در پیش گرفته اند نشان می دهند نه به ایران علاقه مند هستند و نه به نظام. آنها در پاسخ به اینکه اگر مذاکره نکنیم چه کار کنیم؟ می گویند هر اتفاقی رخ بدهد اشکال ندارد. این چه پاسخی است که هر اتفاقی رخ بدهد اشکال ندارد؟ مگر می توان اینطور کشور را مدیریت کرد؟ وظیفه ما این است که ایران را آباد و قوی کنیم نه اینکه به شیوه «هر اتفاقی رخ بدهد اشکال ندارد» کشور را مدیریت کنیم. اگر ایران قوی و آباد نشود این حرف ها باد هواست.

رسمی همچون تربیون مجلس مواضع رژیم صهیونیستی و نتانیاهو را فریاد می زنند. متأسفانه نتانیاهو و تندروهای داخلی همچون دولبه فیچی هستند که منافع ملی را هدف گرفته اند. وی با اشاره مداوم همسویی تندروها با دشمنان قسم خورده کشور ملت، ادامه داد: این موضوع باید حتما در شورای عالی امنیت ملی و دستگاه های امنیتی و قضائی بررسی شود چون این نفوذی ها هیچ آرامشی را برای ملت ایران بر نمی تابند، از این رو همه تاش خود را برای تنش زایی و سلب آرامش مردم به کار می گیرند. این استدال دانشگاه یادآور شد: بعد از توافق با آمریکا معتقدم باید مین رویی را در داخل کشور آغاز کنیم تا قفسه شکست برجام دوباره تکرار نشود و نفوذی ها نتوانند توافقی حاصله را به سمت سقوط هل بدهند چون یادمان نرفته که یکی از دلایل خروج ترامپ از برجام همین ها بودند.

تلنگر

گزینه های ایران و آمریکا برای توافق

منطقه در بیم و امید

روز شنبه، ۱۲ آوریل، مقامات آمریکایی و ایرانی مذاکرات درباره توقف برنامه هسته ای تهران را از سرگرفتند. فارن افزر مدعی شد؛ این مذاکرات پس از آن صورت گرفت که دونالد ترامپ، رئیس جمهور آمریکا، در اوایل ماه مارس نامه ای به رهبر انقلاب نوشت و پیشنهاد مذاکره داد. رئیس جمهور آمریکا در توجیه این مذاکرات گفت: «ما یک دیدار بسیار مهم داریم. خواهیم دید چه چیزی ممکن است اتفاق بیفتد.»

رمز موفقیت ترامپ

به ادعای این رسانه دلایلی برای امیدوار بودن به موفقیت تلاش های ترامپ وجود دارد. او علاقه ای غریزی به معامله گری دارد و گفته که می خواهد ایران دوباره به شکوفایی برسد، اما در عین حال دلایلی برای نگرانی وجود دارد. همزمان با استقبال از مذاکره، مقامات ترامپ فشارها بر تهران را افزایش داده اند. دولت او اجرای تحریم ها را دو چندان کرده؛ رویکردی که به نظر می رسد با هدف به تحت فشار قرار دادن تهران باشد. هیچ کس نباید خواهان رویارویی میان ایران و ایالات متحده باشد. اگر واشنگتن به تأسیسات هسته ای ایران تجاوز ادعا یی کند، ممکن است برنامه هسته ای را موقتاً عقب بیندازد. اما ایران در پاسخ ممکن است تلاش هایش برای تغییر دکترین هسته ای را دو چندان کند. اما برآی نتیجه دادن دیپلماسی، ترامپ باید اهدافی دست یافتنی دنبال کند، نه اینکه منتظر تسلیم کامل تهران باشد. مقامات ایرانی معتقدند که تنها چیزی که خطرناک تر از تحریم هاست، تسلیم شدن در برابر خواسته های حداکثری است. به ادعای فارن افزر، این بدان معناست که فشار به ایران در دیپلماسی بیجاست. جمهوری اسلامی ایران اکنون بیش از آنچه در دوران بایدن بود، مایل به مذاکره با دولت ترامپ است. زیرا تأثیر جمعی تحریم ها اقتصاد ایران را در وضعیت سختی قرار داده است. اما فشار آمریکا باید با اهداف واقع گرایانه گره بخورد.

تنها گزینه باقیمانده

ایران تهدید کرده در صورت بازگشت تحریم ها از پیمان منع گسترش سلاح های هسته ای (NPT) خارج خواهد شد؛ اقدامی که تقریباً تمامی نظارت های رسمی بر برنامه اش را لغو می کند. در این شرایط، ترامپ با فشار فزاینده از سوی رهبران اسرائیل و تندروهای واشنگتن برای رویارویی مواجه خواهد شد. حتی ممکن است اسرائیل به تنهایی دست به اقدام بزند؛ اقدامی که تقریباً به طور قطع پای ایالات متحده را به ماجرا باز خواهد کرد. اما در صورت وقوع رویاوردی گسترده از سوی آمریکا و اسرائیل به احتمال زیاد قادر نخواهد بود برنامه هسته ای ایران را به طور کامل متوقف کند. جمهوری اسلامی ایران اوارونیم غنی شده زیاد و سانترفیوژی های پیشرفته متعددی دارد که در مکان های گوناگون تعبیه شده اند و از میان بردن ادعایی شان برای ارتش های آمریکا و اسرائیل تقریباً غیرممکن است. همچنین ایران دانشمند هسته ای زیادی دارد که می توانند برنامه را بازسازی کنند. حتی ارزیابی های اطلاعاتی خود آمریکا نشان می دهد که عقب نشینی پس از یک حمله نظامی، تنها چند ماه طول خواهد کشید. این همه همچنین می تواند موجب تشدید عده تش های منطقه ای شود. محور مقاومت ممکن است تحت تأثیر فعل و انفعال های منطقه قرار گرفته باشند، اما همچنان گزینه هایی در اختیار دارد: به بویژه از طریق حوثی ها یا گروه های مقاومتی در عراق و ذخایر موشکی بالستیک شان. این گروه با توسل به اهرم های خود قادر است علیه اسرائیل و منافع آمریکا، از جمله نیروهای نظامی اش، حملاتی را کلید بزند. بنا بر یک ارزیابی اطلاعاتی اخیر در آمریکا، ایران همچنان توان «وارد کردن آسیب های شدید به مهاجم، اجرای حملات منطقه ای و مختل کردن حمل و نقل دریایی» را دارد. حتی ممکن است اقداماتی درباره زیرساخت های نفتی خلیج فارس انجام شود و قیمت نفت را بالا ببرد. این حقایق تماماً ناخوشایند هستند. اما هیچ کس از رویارویی آمریکا و ایران سود نمی برد، بنابراین همه طرف ها انگیزه دارند که از آن اجتناب کنند. این فرصتی برای دیپلماسی فراهم می آورد. مذاکرات در عمان می تواند مسیر امیدوارکننده ای را آغاز کند. طرف ها باید تلاش کنند و هدف را محقق کنند؛ شفاف سازی فرمت تعامل و ترسیم مدافع ملی هدف نهایی. خطرات بالا و زمان بسیار کم است، آن هم در شرایطی که ایرانی ها می خواهند از انجام تعامل رودررو با هم تانان آمریکایی اجتناب کنند.

موانع پیش رو

این رسانه مدعی شد سابقه ترامپ در دوره اول ریاست جمهوری اش نشان می دهد که او در برابر ایران هیچ گاه فردی نرم خو نبوده است. اگر قرار است توافق هسته ای حاصل شود، ترامپ ممکن است به طور ویژه ای قادر باشد از حمایت سخت گیران آمریکایی برخوردار شود، درست همان طور که ریچارد نیکسون، رئیس جمهور پیشین ایالات متحده، توانست با سفر به چین روابط میان پکن و واشنگتن راهپرو بخشد. ترامپ می تواند فرآیند را با ایجاد یک تبادل ساده اما مهم پیش ببرد و درها را برای دیپلماسی مستقیم و سطح بالا باز کند؛ تعلیق موقت تحریم های «فشار حداکثری» در ازای تعلیق تحریم سازی اوارانیم توسط ایران برای همان مدت زمان یکی از گزینه هاست. این امتیاز می تواند زمینه ساز برگزاری دیدار دو طرف در سطح ریاست جمهوری شود؛ گزاره ای که ترامپ مدت هاست به دنبال آن است. اگر طرف ها جدی هستند تا مذاکرات را پیش ببرند، عمان، عربستان سعودی، امارات متحده عربی یا هر میانجی گری که ترامپ به آن احترام می گذارد، باید چنین ترتیبی را پیشنهاد دهد. آن ها می توانند سپس هم دیدار سطح بالا و هم مذاکرات فنی بعدی را میزبانی کنند.